

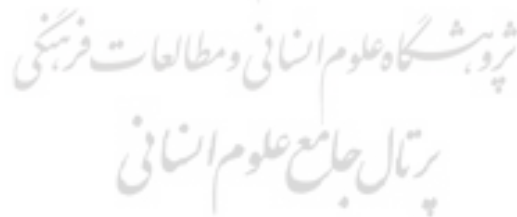


Sociological analysis of tax evasion on the level of social welfare of taxpayers in Tehran metropolis

Raza Makhdoomi Javan¹, Mehrdad Mohammadiyan^{*2}, Mohammad Alipour³
(Received date: 2023/06/02 - Accepted date: 2024/04/18)

Abstract:

The present study was conducted with the aim of sociological analysis of tax evasion on the level of social welfare of taxpayers in Tehran metropolis. The present research method is descriptive. The statistical population of the research is all the taxpayers of Tehran city in region 12, which are more than 100,000 people, and based on Cochran's formula, 383 people were selected and answered the researcher's questionnaire based on cluster random sampling. The research instrument is a questionnaire made by the researcher, the validity of the questionnaire is determined by content validity (CVR), the construct validity of the research instrument is determined by the Keirs-Meir, Oklin test, and the reliability of the instrument is determined by Cronbach's alpha method. And after ensuring the existence of parametric conditions, i.e. normality of distribution, continuity of variables and equality of variances, parametric statistics such as regression were used. The obtained results indicate that the sociological factors of tax evasion, tax culture, tax transparency, tax justice, tax laws and regulations, demographic, cultural and social status of taxpayers have an effect on social welfare and its indicators.



Keywords: Tax evasion, social welfare, taxpayers.

¹ Doctoral student of social sciences, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran
makhdomijavan@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Social Sciences, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran (corresponding author): DR.MHM1350@gmail.com

³ Assistant Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, Khalkhal Branch, Khalkhal, Iran
iranuniclass.alipour@gmail.com



تحلیل جامعه شناختی فرار مالیاتی بر سطح رفاه اجتماعی مودیان مالیاتی در کلان شهر تهران

رضا مخدومی جوان^۱، مهرداد محمدیان^{۲*}، محمد علی پور^۳
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۳۰)

چکیده:

پژوهش حاضر با هدف تحلیل جامعه شناختی فرار مالیاتی بر سطح رفاه اجتماعی مودیان مالیاتی در کلان شهر تهران انجام شده است. روش پژوهش حاضر از نوع توصیفی است. جامعه آماری پژوهش تمامی مودیان مالیاتی شهر تهران در منطقه ۱۲ هستند که بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر می‌باشند و بر اساس فرمول کوکران ۳۸۳ نفر انتخاب و بر اساس نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به پرسشنامه پژوهشگر ساخته پاسخ دادند. ابزار پژوهش پرسشنامه‌ی پژوهشگر ساخته است که اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار محتوا (CVR)، اعتبار سازه ابزار پژوهش از طریق آزمون کیرز - میر، اوکلین و پایایی ابزار از طریق روش آلفای کرونباخ مشخص شده است. و بعد از اطمینان از وجود شرایط پارامتری یعنی نرمال بودن توزیع، پیوسته بودن متغیرها و برابری واریانس‌ها از آماره‌های پارامتری نظیر رگرسیون استفاده شد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که عوامل جامعه شناختی فرار مالیاتی فرهنگ سازی مالیاتی، شفاف سازی مالیاتی، عدالت مالیاتی، قوانین و مقررات مالیاتی، وضعیت جمعیت شناختی، فرهنگی و اجتماعی مودیان مالیاتی بر رفاه اجتماعی و شاخص‌های آن اثرگذار هستند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: فرار مالیاتی، رفاه اجتماعی، مودیان مالیاتی

makhdomijavan@yahoo.com
DR.MHM1350@gmail.com
uniclass.alipoor@gmail.com

^۱ دانشجوی دکتری علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران
^۲ استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران (نویسنده مسئول):
^۳ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خلخال، خلخال، ایران



مقدمه و بیان مساله

شاید در نگاه اول مطالعه در حوزه مالیاتی و بررسی ابعاد فرار از آن صرفاً بعنوان یک موضوع اقتصادی مطرح گردد لیکن این فرآیند در بستر جامعه‌ای اتفاق می‌افتد که مودیان مالیاتی بعنوان کنشگران اجتماعی می‌بایست مبالغی را بعنوان مالیات از درآمدهای کسب شده خود به صورت سالیانه به دولت پرداخت نمایند. با این توضیح می‌توانیم موضوع جامعه هدف را که همان مودیان مالیاتی می‌باشد مورد مطالعه قرار داد. تبیین جامعه شناختی فرار مالیاتی و اثر آن بر سطح رفاه اجتماعی در صدد است تا با نگاهی جامعه شناسانه و از طریق ابزارها و نظریات اجتماعی به علت‌های فرار این تکلیف مالی که همان پرداخت مالیات است، برسد. این موضوع از دو مولفه چرایی در فرار مالیاتی و اینکه چه تاثیری در سطح رفاه اجتماعی مودیان مالیاتی دارد تشکیل شده است که در چرایی به علت‌های عدم پرداخت مالیات و در تاثیرات به نتایج و آثار پرداخت و عدم پرداخت مالیات می‌پردازد.

یکی از منابع مالی مورد اهمیت دولت‌ها اخذ مالیات است که می‌تواند در انجام وظایف به توان مالی دولت کمک کند. در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نگاه متفاوتی از نظر فرهنگی و اقتصادی در خصوص اخذ مالیات و نحوه تخصیص آن وجود دارد. در کشورهای در حال توسعه به دلیل کسری مالی بودجه این امر اهمیت قابل توجهی دارد هر چند هزینه‌های جاری دولت‌ها با درآمدهای مالیاتی تامین می‌گردد، نیاز به توزیع عادلانه درآمد نیز بیشتر می‌شود و پایه‌های اقتصادی را مستحکم‌تر خواهد کرد. یکی از بزرگترین موانع در این استحکام فرار مالیاتی است که به دلیل مشکلات جمع آوری اطلاعات در حوزه‌های متعددی از جمله تولید و درآمد و ارث و اسناد مالکیت و ... می‌باشد. فرهنگ مالیاتی یکی از روش‌های نوین در دریافت مالیات می‌باشد که توجه به آن موجبات تعالی و کارایی دستگاه‌های مالیاتی و اخذ مالیات می‌گردد. ضعف فرهنگی در اخذ مالیات یک پدیده نا مطلوب تلقی شده و اغلب به سختی صورت می‌گیرد چنانچه توجه به موارد فرهنگی این امر بسیار جدی می‌باشد چرا که علت افزایش توجه به مالیات و فرهنگ آن، نگاه اقتصادی دولت‌ها به سیاست گذاری‌های بودجه‌ای خود می‌باشد. بر اساس مطالعات انجام گرفته در خصوص فرار مالیاتی که به سه دسته عمده عوامل موثر (لوین و ویدل، ۲۰۰۷؛ کای و لیو، ۲۰۰۹؛ فاگیمی و همکاران، ۲۰۱۰؛ ناگی، ۲۰۱۱؛ وانگ، ۲۰۱۲؛ خان جان، ۱۳۸۵؛ موسوی جهرمی و همکاران، ۱۳۸۸؛ جعفری صمیمی و حمزه‌ای، ۱۳۸۴؛ و زهی و محمدخانلی، ۱۳۸۹)، اثرات آن (عزیزخانی و افشاری، ۱۳۸۶؛ و سید نورانی، ۱۳۸۸) و محاسبه میزان آن (اینگستروم و هولمند، ۲۰۰۶؛ صادقی و شکیبایی، ۱۳۸۸؛ و عبدالله میلانی و اکبرپور روشن، ۱۳۹۱) دسته بندی کرد. همانطور که مشاهده شد، هر چند مطالعات زیادی در سطح دنیا و کشور در خصوص فرار



مالیاتی و عوامل موثر و اثرات آن انجام شده است نشان می‌دهد این موضوع دارای اهمیت فراوانی است و بنابراین باید به این مهم پرداخته شود که چرا فرار مالیاتی صورت می‌گیرد و عوامل موثر بر آن کدامند و در نهایت این امر چه تاثیری بر جامعه می‌گذارد. از سویی دیگر این امر که بخشی از درآمد دولت از پرداخت مالیات‌ها صورت می‌گیرد و این درآمد صرف خدمات رسانی به شهروندان می‌شود که در جهت تامین رفاه آنها است اهمیت انجام چنین پژوهشی را برای ما روشن می‌سازد زیرا این فرار مالیاتی می‌تواند بر کاهش رفاه شهروندان منجر شود.

عدم پرداخت مالیات که از آن بعنوان فرار مالیاتی یاد می‌شود ضرورت اصلی تحقیق محسوب می‌شود که فرهنگ مالیاتی اهمیت بسزایی در شناسایی عوامل موثر بر فرار مالیاتی از منظر کارشناسان و جامعه‌ای که دریافت مالیات مورد انتظار از آن بعنوان یک تکلیف در جهت تکمیل بودجه دولت‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد می‌باشد. چرا که عدم پرداخت مالیات مقدمات بی‌نظمی مالیاتی در نظام اقتصادی را فراهم می‌کند و موجبات متوقف شدن اهداف و برنامه ریزی‌های از پیش تعیین شده کشور می‌شود. نرخ مالیات بیشتر منجر به یک افزایش قوی در سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی شده و فرار مالیاتی را افزایش خواهد داد (بایر و سوتر، ۲۰۰۸). تشخیص وجود رابطه منفی و یا مثبت بین درآمد و فرار مالیاتی میان مالیات دهندگان یک مسئله تجربی است (امبایی: ۲۰۰۷). ایزدی، صامتی و اکبری (۱۳۹۹) در پژوهش خود با روش علل چندگانه - آثار چندگانه سری زمانی میزان نسبی فرار مالیاتی طی دوره ۱۳۵۵ تا ۱۳۹۵ را به دست آوردند. بر اساس نتیجه‌ی پژوهش آنها مشخص گردید که میزان فرار مالیاتی در سال ۱۳۵۵ از ۸.۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی شروه شده است و به کمترین مقدار خود یعنی ۳.۰۱ درصد در سال ۱۳۶۶ می‌رسد. بیشترین مقدار آن در سال ۱۳۷۴، ۲۱.۹۷ درصد از تولید ناخالص داخلی می‌باشد. از سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۴ روند نزولی را طی کرده ولی دوباره در سال ۱۳۸۷ فرار مالیاتی زیاد شده که به رقم ۱۵.۰۸ رسیده و دوباره در سال‌های ۱۳۹۰، ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ فرار مالیاتی زیادی برقرار بوده است. سپس از سال ۱۳۹۲ به بعد روند کاهشی برقرار می‌شود. در نهایت در سال ۱۳۹۵ اندازه نسبی فرار مالیاتی به ۶.۹۵ درصد تولید ناخالص داخلی می‌رسد. میانگین اندازه نسبی فرار مالیاتی در طی این ۴۱ سال برابر ۱۰.۹۹ می‌باشد که این رقم برای میزان فرار مالیاتی یک کشور، نشانه خوبی محسوب نمی‌شود. از این رو، ضرورت انجام چنین پژوهشی احساس می‌شود تا بتوان عوامل موثر بر فرار مالیاتی را شناسایی کرده و در جهت کاهش آن قدم برداشت.



پیشینه پژوهش

امین رشتی، نارسیس، صیام، هدی، محرابیان، آزادی، سیفی پور، رویا (۱۴۰۲) به بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در شرکت‌های سخت مالیات‌ده با استفاده از روش اثرگذاری غیرخطی پرداختند. نتایج آزمون غیرخطی بودن الگو نشان می‌دهد نرخ موثر مالیاتی به عنوان متغیر انتقال با یک حد آستانه‌ای، دارای رابطه غیرخطی با متغیر فرار مالیاتی می‌باشد. در بخش دوم اثرات نرخ موثر مالیاتی و نرخ قانونی مالیاتی بر تلاش مالیاتی طی دوره زمانی مورد مطالعه، قابل تفکیک به دو رژیم مورد بررسی قرار گرفت، یافته‌ها حاکی از آن است که رژیم دوم نسبت به رژیم اول از ثبات نسبت بیشتری برخوردار است و وقفه‌های اختلاف نرخ موثر مالیاتی و نرخ مالیاتی تاثیر منفی بر تلاش مالیاتی داشته است.

ساعی ارسی، ایرج، صید، محمد، رحمانی خلیلی، احسان (۱۴۰۱) به تبیین جامعه شناختی فرار مالیاتی در ایران (مورد مطالعه شهر تهران) پرداختند. یافته‌های بدست آمده نشان داد: بین آگاهی عمومی و فرار مالیاتی همبستگی معناداری وجود دارد. ولی بین اعتماد اجتماعی و مشارکت عمومی با فرار مالیاتی رابطه معناداری مشاهده نشد. از سویی بین پایبندی دینی و فرار مالیاتی همبستگی منفی معناداری بدست آمد. همچنین یافته‌ها نشان داد که متغیرهای آگاهی عمومی، پایبندی دینی و احساس محرومیت نسبی به میزان ۶ درصد قادر به پیش بینی فرار مالیاتی می‌باشند.

امیری سلوشی، نیکو (۱۴۰۱) به بررسی تاثیر مسئولیت پذیری اجتماعی بر جلوگیری از فرار مالیاتی شرکت‌ها (مورد مطالعه: شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران) پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مسئولیت پذیری اجتماعی بر فرار مالیاتی در شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران تاثیر منفی و معناداری دارد.

عالی پور، نعمت اله، زنگنه، مهسا (۱۴۰۱) به بررسی نظری عوامل موثر بر فرار مالیاتی از منظر عدالت مالیاتی، دانش مالیاتی، تعهدات اخلاقی، هنجارهای ذهنی و نگرش مودیان به رفتار پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان داد که رابطه بین متغیرهای مستقل مطالعه با متغیر وابسته مثبت و از نظر آماری معنادار است. تجزیه و تحلیل رگرسیون همچنین نشان می‌دهد که عدالت مالیاتی، دانش مالیاتی و تعهدات اخلاقی به طور معناداری فرار مالیاتی مودیان مالیاتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد و حفظ تعهدات اخلاقی و هنجارهای ذهنی از نظر آماری به طور معناداری، فرار مالیاتی، را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد.

مهرآذین، علیرضا، پایدارمنش، نوید، عباس زاده، محمدرضا، مسیح آبادی، ابوالقاسم (۱۴۰۱) به بررسی کنش انگیزه و فرصت برنامه‌ریزی فرار مالیاتی و ارائه مدل جدید از فرار مالیاتی شرکت‌ها پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد بین محدودیت‌های مالی و فرصت برنامه‌ریزی مالیاتی با فرار مالیاتی



شرکت‌ها ارتباط معنی‌داری وجود ندارد؛ بین محدودیت‌های مالی و فرار مالیاتی در شرکت‌هایی که فرصت برنامه‌ریزی مالیاتی دارند، رابطه‌ی مثبت وجود ندارد؛ در شرکت‌هایی که دارای بحران مالی هستند و در دوره بعد، فرار مالیاتی بیش‌تری دارند فرصت برنامه‌ریزی مالیاتی بیشتر نمی‌باشد؛ بین محدودیت‌های مالی و فرار مالیاتی شرکت‌ها ارتباط معنی‌داری وجود دارد. دانش‌افزایی این نتایج از دو بعد مورد نظر قرار می‌گیرد. در بعد اول توجه به شرایط بحرانی اقتصادی ایجاد شده برای کشور ایران به واسطه تحریم‌های بین‌المللی و نگاه ویژه به درآمدهای مالیاتی و سایر درآمدهای غیرنفتی به عنوان درآمد اول کشور در بودجه سال ۱۴۰۰؛ و بعد دوم به مسأله تخصصی در ارتباط با فرار مالیاتی برخی شرکت‌ها اشاره می‌گردد. نتایج این تحقیق به شناسایی شرکت‌هایی که با دارا بودن محدودیت مالی اقدام به فرار مالیاتی می‌نمایند به میزان مالیاتی نیز کمک می‌نماید.

زارع بهنمیری، محمدجواد، رحیمیان امیری، محمدحسین، تیرگان، محمد (۱۴۰۱) به بررسی اولویت بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی پرداختند. نتایج اولویت بندی متغیرهای تحقیق نشان داده است مهمترین عامل اصلی فرار مالیاتی، عامل اجرایی تعیین شده و عوامل اصلی اقتصادی-محیطی و قانونی در اولویت‌های بعدی قرار دارند.

هرانز و تورینو^۱ (۲۰۲۳) به بررسی فرار مالیاتی، سیاست مالی و بدهی عمومی: شواهدی از اسپانیا پرداختند. از نقطه نظر سیاست مالی، نتایج برآورد شده نشان می‌دهد که وجود فرار مالیاتی باعث ایجاد مکانیسم تخصیص مجدد منابع می‌شود که اثرات بر فعالیت اقتصادی ناشی از افزایش مخارج دولت را کاهش می‌دهد، در حالی که اثرات ناشی از تغییرات در نرخ‌های مالیاتی را تقویت می‌کند. به دلیل این مکانیسم، نشان دادند که اگر اجرای مالیات ناقص باشد، طرح‌های تلفیق مبتنی بر مالیات ممکن است در کاهش نسبت بدهی به تولید ناخالص داخلی کاملاً بی‌اثر شوند. علاوه بر این، با مشخص کردن منحنی لافر بلندمدت، نشان دادند که مالیات واقعی در اسپانیا به‌طور ناکارآمد بسیار بالاست، به این معنا که دولت ممکن است با کاهش نرخ‌های مالیات واقعی بر درآمد شرکت‌ها و شخصی، درآمدهای مالیاتی را افزایش دهد.

عالم، موسی، عبدالهادی و یامن^۲ (۲۰۲۳) به بررسی فرهنگ ملی و فرار مالیاتی: نقش کیفیت محیط سازمانی پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که IEQ یک اثر میانجی بر پیوند NC-TE دارد، و نشان می‌دهد که

¹ Herranz, M. M., Turino, F.

² Allam, A., Moussa, T., Abdelhady, M., Yamen, A.



سیاست‌گذاران باید بهبود کیفیت نهادهای ملی را برای کاهش تأثیر نامطلوب فرهنگ بر سطوح فرار مالیاتی هدف قرار دهند. به طور خاص، متوجه می‌شویم که حاکمیت قانون، کیفیت نظارتی و اثربخشی دولت، شاخص‌های IEQ هستند که به طور کامل رابطه NC-TE را واسطه می‌کنند. علاوه بر این، تقسیم نمونه به کشورهای قدیمی و جدیدتر اتحادیه اروپا یک اثر میانجیگری جزئی در کشورهای قدیمی اتحادیه اروپا و یک اثر میانجیگری کامل در کشورهای جدیدتر اتحادیه اروپا را نشان می‌دهد. افزایش IEQ می‌تواند نقش برجسته‌تری در کشورهای جدیدتر اتحادیه اروپا ایفا کند تا تأثیر مخرب ارزش‌های فرهنگی بر فرار مالیاتی را کاهش دهد.

خلیل و سیدانی^۱ (۲۰۲۳) به بررسی ویژگی‌های شخصیتی، دینداری، درآمد و نگرش‌های فرار مالیاتی: یک مطالعه اکتشافی در لبنان پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که وظیفه‌شناسی با نگرش‌های فرار مالیاتی ناشی از منافع شخصی (SITE) ارتباط منفی دارد. مشخص شد که دینداری رابطه بین برون‌گرایی و SITE و بین وظیفه‌شناسی و JSTE (عدالت فرار مالیاتی سیستم) را تعدیل می‌کند. به نظر می‌رسد درآمد رابطه بین برون‌گرایی و SITE را تعدیل می‌کند. به طور کلی، این مطالعه نشان می‌دهد که علت اصلی فرار مالیاتی ممکن است ناشی از درک مالیات دهندگان از عدالت نظام مالیاتی باشد نه صرفاً از ویژگی‌های جمعیت شناختی یا ویژگی‌های شخصیتی.

لانگن ماری و زیسکا^۲ (۲۰۲۳) به بررسی فرار از تبادل اطلاعات: فرار مالیاتی از طریق شهروندی سرمایه گذاری پرداختند. نشان دادند که افراد با درآمد بالا تابعیت جدیدی کسب می‌کنند تا احتمال تشخیص فرار مالیاتی آنها از طریق تبادل اطلاعات کاهش یابد. با استفاده از داده‌های سپرده‌های بانکی فرامرزی، متوجه می‌شویم که سپرده‌ها در بهشت‌های مالیاتی پس از اینکه کشوری شروع به ارائه برنامه شهروندی به سرمایه‌گذاری می‌کند، افزایش می‌یابد، و شواهد غیرمستقیمی را ارائه می‌کند که فراریان مالیاتی از این برنامه‌ها استفاده می‌کنند.

باترانکا، کودلا، بلاسزاک و کویپت^۳ (۲۰۲۲) به بررسی تفاوت در نگرش فرار مالیاتی بین دانشجویان و کارآفرینان تحت چارچوب لغزنده پرداختند. نتایج نشان داد که دانشجویان بیشتر مستعد فرار مالیاتی

¹ Khalil, S., Sidani, Y.

² Langenmary, D., Zyska, L.

³ Batrancea, L. M., Kudla, J., Blaszcak, B., Kopyt, M.



هستند، اما می‌توان این تأثیر را با افزایش قدرت مقامات کاهش داد. برعکس، برای کارآفرینان، اعتماد به مقامات تأثیر قوی‌تری بر رعایت مالیات نسبت به اجرای قانون داشت. روحیه مالیاتی پایین پیش‌بینی‌کننده قابل توجهی برای فرار مالیاتی بالا در هر دو گروه بود.

مبانی نظری

مبانی فرهنگی دولت رفاه: ایده جامعه خوب

از دیدگاه تطبیقی و تاریخی، پرسش اصلی در مورد بنیان‌های فرهنگی دولت رفاه، به نفوذی برمی‌گردد که ایده «جامعه خوب» در شکل‌گیری دولت رفاه داشته است، به‌ویژه در اروپای غربی که به عنوان مهد دولت رفاه مدرن شناخته شده است. ایده «جامعه خوب» ناشی از ساختارهای ارزشی منسجمی است که ریشه در ایدئولوژی‌های گسترده‌تری قرار دارد که در اروپا نهادینه شده‌اند. این ایدئولوژی‌ها عبارت‌اند از: لیبرالیسم، محافظه‌کاری و سوسیالیسم. با این دانش مشترک می‌توان بسیاری از ویژگی‌های دولت رفاه را در اروپا شناسایی کرد و تأثیر نسبی هر یک از این ایدئولوژی‌ها را مورد بررسی قرار داد که در مبارزات سیاسی منجر به تغییرات مهمی در مدل اجتماعی شده‌اند. از جهتی، این ارزش‌ها مبتنی بر مفاهیم مسلط و بنیادینی است که هر یک از این ایدئولوژی‌ها براساس آن‌ها قرار دارند. اما، مطمئناً همیشه آمیزه‌ای از این ارزش‌ها وجود داشته است. برای مثال، به تازگی «لیبرالیسم اجتماعی» در روند بازسازی و تغییر چهره دولت رفاه بریتانیا که تحت نفوذ حزب کارگر جدید قرار دارد، به عنوان یک ایده راهنما عمل کرده است، یا «نئو محافظه‌کاری» که تلفیقی از تفکرات لیبرالی و محافظه‌کارانه است، در دهه ۱۹۸۰ مسیر اصلاحات رفاهی آمریکای تحت رهبری رونالد ریگان را تحت تأثیر قرار داده است. می‌دانیم که در روند تاریخی شکل‌گیری دولت رفاه در اروپا، ایدئولوژی‌هایی که جهت‌گیری‌های آن‌ها دنیایی و نگرشی بیرونی داشته‌اند، به وسیله مذاهب دنیاگرایانه نظام‌های ارزشی مسیحی، به خصوص پروتستانتیسم و کاتولیک‌ها با چالش روبرو شده‌اند. به هر حال، مسائلی نظیر ارزش‌های بنیادین از جمله، «آزادی»، «برابری»، «همبستگی» و مانند آن وجود دارند که هر یک از این ایدئولوژی‌ها توجه [خاصی] بر آن‌ها دارند. با این اوصاف، سوال این است که تفاوت‌های اساسی ایده‌هی مختلف پیرامون «جامعه خوب» کجاست؟ سوال مهم دیگر این است که، تا چه حد جهت‌گیری‌های سنتی «دنیایگرایانه» یک مذهب مثل مسیحیت، پیشینه و وضعیت کنونی خود را حفظ کرده است و چگونه می‌توان آن را با مذاهب و زمینه‌های رفاهی کشورهای غیرغربی مقایسه کرد؟ جولیا اوکانر و جیلیان رابینسون معتقدند که تفکر لیبرالی، همه دولت‌ها رفاه غربی را بدون توجه به طبقه‌بندی رژیم معمول خود تحت تأثیر قرار داده است. از سوی دیگر، تفکر لیبرالی اهمیت خود را در رقابت با سایر جریان‌های فکری [رقیب] به دست



آورده است. در حال حاضر، علی‌رغم تسط‌تفکر نئولیبرالی، حقیقت این است که ریشه دولت‌های رفاه معاصر به اواخر قرن نوزدهم اوایل قرن بیستم برمی‌گردد. اوکانر و رابینسون به نوبه خود به بررسی تفاوت بین لیبرالیسم کلاسیک و لیبرالیسم اجتماعی می‌پردازند و تصور لیبرال شهروندی و دخالت ایدئولوژی «نئولیبرالیسم» را به منظور بازسازی دولت رفاه مورد بحث قرار می‌دهند. آن‌ها به‌خصوص به اهمیت کاربرد و معانی لیبرالیسم اشاره می‌کنند. به عنوان مثال، آن‌ها از یک طرف، به چگونگی ناکامی تفاوت بین لیبرالیسم سیاسی (اوکانر و رابینسون از لیبرالیسم «اجتماعی»، «جدید» و یا «اصلاح‌گر» صحبت به میان می‌آورند) با تاکید بر فردگرایی، مساوات‌طلبی اخلاقی، عام‌گرایی و بیشتر از همه حقوق شهروندی، به عنوان عناصر اصلی دولت رفاه اشاره می‌کنند. از طرف دیگر، لیبرالیسم اقتصادی با تاکید بر بازار آزاد و شیوه‌های تولید سرمایه‌داری و دارایی، مالکیت انحصارگرایانه و حقوق شخصی، به راحتی منجر به سردرگمی در پیام‌های فرهنگی لیبرالیسم برای توسعه دولت رفاه می‌شود.

استیرنو، نشان می‌دهد که برابری نتیجه هرگز یک ارزش کاملاً روشن برای محافظه‌کاران نبوده، چون برابری مفهومی همبسته و ملازم با عدالت اجتماعی بوده است که همواره در برابر بازتوزیع کمتر و نابرابری بیشتر قرار دارد. از دیدگاه جامعه‌شناختی، تغییر ساختار ارزش بنیادین همبستگی، امر مهمی است که از نظر معنایی، مرزهای آن وسیع‌تر شده است. در ابتدا، کارگران صنعتی، با نگاهی عام‌گرایانه و در برخی مواقع بی‌هدف آن را دنبال می‌کردند که در این معنا «تقریباً شامل هر کسی می‌شد که فقیرتر یا محروم بود». رابینسون و استیرنو اشاره می‌کنند که معمولاً در مورد مفهوم برابری بین ارزش‌های بنیادین و سیاست‌های عملی، اتفاق نظر کمی دارند. درست مانند «آزادی»، ممکن است مفهوم «همبستگی» در جاهای مختلف و حتی به شیوه‌های متضادی به کار گرفته شود.

مایکل اپیلکا، این بحث را به حوزه مذهبی گسترش داد. پرسش‌های اصلی او این بود که آیا تفکرات مسیحی در دولت رفاه وجود دارد؛ آیا در یک رویکرد تطبیقی جهانی، سنت‌های مذهبی دیگری در ارتباط با سیاست‌های اجتماعی وجود دارند؛ و نیز نفوذ و اهمیت مذهبی که با جهت‌گیری‌های ارزشی سیاسی مقابله می‌کنند، چقدر است. تحلیل برگرفته از «نهادگرایی جدید» او را به این استدلال رساند که ورای ارزش‌های سیاسی و ایدئولوژیکی، همیشه رگه‌هایی از ارزش‌های مذهبی وجود دارند. در اروپا این ارزش‌ها هم مسیحی و هم اومانیست بودند، که از رهگذر، ارزش‌های اومانیستی به‌ویژه در سنت مارکسیستی ویژگی فرادینی به خود گرفتند. به همین ترتیب، اپیلکا نشان می‌دهد که ارزش‌های مسیحی نیز به وضوح تحت تاثیر سیاست‌های اجتماعی آمریکا بوده‌اند. پس از این مرحله، اپیلکا یک نوع‌شناسی تطبیقی از مذاهب جهان، از جمله ارزش‌های رفاهی رایج آن‌ها ارائه کرد. به نظر اپیلکا، فرهنگ‌های



رفاهی سمبل‌ها و دلالت‌های سیاسی و مذهبی خاصی دارند که از طریق نهادها و مناسک، تجارب این جهانی و آن جهانی را به هم پیوند می‌دهند (اورشات و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۸-۲۵).

جهان‌های فرهنگ رفاه

اگر چه مهد دولت رفاه مدرن در غرب اروپا بود، اما امروزه نوع اروپایی دولت رفاه، تنها یک نوع خاص در بین سایر جهان‌های رفاهی است و تحولات اقتصادی و سیاسی شرایطی را برای شکل‌گیری دولت‌های رفاه در سایر مناطق جهان به‌وجود آورده است. از منظر فرهنگی، سوال مهم این است که تا چه حد بین فرهنگ‌های رفاهی دولت‌های رفاه اروپای غربی و مناطق دیگر تفاوت‌های اساسی وجود دارد؟ اگر جهان‌هایی مختلفی از فرهنگ رفاه وجود دارد، پس، تفاوت‌های فرهنگی خاص آن‌ها چگونه است؟ این تفاوت‌ها چگونه شکل گرفته‌اند و چگونه با رویکردها و ساختارهای رفاهی مختلف پیوند می‌خورند؟ این بخش از کتاب با توجه به ساز و کارهای مختلف رفاهی در دولت‌های غیرغربی، به بیان سوالاتی از این دست می‌پردازد. این دولت‌ها عبارت‌اند از: دولت رفاه آمریکای شمالی، دولت رفاهی پساسوسیالیستی مرکز و شرق اروپا و دولت رفاه آسیایی ژاپن و کره جنوبی.

مقایسه فرهنگی دولت رفاه آمریکا و اروپا، که به‌وسیله رابرت واکر انجام شد هدف اصلی این بخش است. واکر سه سطح از فرهنگ رفاه را از هم متمایز می‌کند: فدرال/ اتحادیه اروپا، دولت/ ملت و افکار عمومی. با مقایسه اظهارات سیاسی و استنادات موجود در این زمینه، او در نخستین سطح متوجه شد که مردم آمریکا و اروپا به‌وضوح از نظر اعتقادات، هنجارها و نهادهای رفاه متفاوت هستند. فرهنگ رفاه آمریکا بر مواردی چون اخلاق کاری، موفقیت اقتصادی، فردگرایی، فرصت‌های فردی و مفاهیم لیبرالی خوداتکایی تاکید دارد. معمولاً تامین اجتماعی منوط به بررسی استطاعت مالی افراد است و فرض بر این است که کمک‌های رفاهی مانع پیشرفت اقتصادی محسوب می‌شوند. اما در اروپا، اعتقاد بر این است که ارائه رفاه جامع و گسترده، جزئی جدایی ناپذیر از پیشرفت اقتصادی است. ارزش‌های شهروندی اجتماعی و انسجام اجتماعی از اهداف سیاسی محسوب می‌شوند و این اهداف فعالانه توسط دولت و با مشارکت سازنده کارفرمایان و اتحادیه‌های کارگری پیگیری می‌شوند. با این حال، در این دو مدل کلی، در سطح دولت‌ها و ملت‌ها تفاوت‌هایی در فرهنگ رفاه آمریکا و اروپا وجود دارد. این تفاوت‌ها با مطالعه اصلاحات مزایای نقدی در آمریکا، انگلستان، سوئد و آلمان نشان داده شده است.

تمامی این اصلاحات برگرفته از مطالعات سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه در سال ۱۹۹۴ بودند که گسترش مسئولیت‌پذیری شخصی در سیستم‌های رفاهی را پیشنهاد می‌کرد (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه، ۱۹۹۴)، اما شیوه‌های به‌کارگیری عملی این ایده‌ها، به‌طور قابل ملاحظه‌ای در فرهنگ‌های



رفاهی مختلف، متفاوت است. واکر با استفاده از داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی دریافت که- در سطح افکار عمومی- تفاوت‌هایی در فرهنگ رفاهی اروپا و آمریکای شمالی وجود دارد. البته، اگرچه این داده‌ها از نظر تطبیقی خیلی قوی نیستند، اما نشان دهنده ذهنیت کلی افکار عمومی هستند. بنابراین، با توجه به نتایج بررسی‌ها، به نظر می‌رسد که فرهنگ رفاه ملی تا حد زیادی بازتاب ارزش‌های رای‌دهندگان می‌باشند.

در سال‌های اخیر، به صراحت بحث فرهنگ رفاهی با توجه به وضعیت جوامع پساسوسیالیستی، در مرکز و شرق اروپا مطرح شده است. سوزا فرگ در بحث خود در برابر این اتهام رایج می‌ایستد که مردم این کشورها پس از تحولات سیاسی حاکم بر آن‌ها، نوعی شهروندی از خود ارائه می‌دهند که ناشی از عمل دولت سوسیالیستی توتالیتراست. براساس این استدلال، مشخصه «انسان شوروی»^۱ احساس درماندگی آموخته شده است که منجر به وابستگی کامل به دولت (راه) می‌شود. فرگ استدلال می‌کند که این ایده گمراه کننده است، زیرا دولت سوسیالیستی در راستای رفاه شهروندان تغییرات قابل توجهی ایجاد نکرده است. بالعکس، ریشه‌های فرهنگی رفاه شهروندان در کشورهایی از آن نیز در دولت‌های اروپای غربی مشهود است (اورشات و دیگران، ۱۳۹۶: ۳۱-۲۸).

مالیات در مکاتب اقتصادی

از آنجا که مقوله مالیات به عنوان یک جزء مهم ابزار سیاست‌گذاری اقتصادی، اجتماعی به حساب می‌آید، لازم است تا برای اعمال سیاست‌های مالیاتی، اصول و نظریاتی از سوی اندیشمندان نحله‌های گوناگون فکری تعریف شود تا نظام‌های مالیاتی فراخور شرایط اقتصادی و اجتماعی خود از آن‌ها بهره‌برند. از آن روی، بحث اصول و نظریات مالیاتی یکی از موارد بنیادین مطالعات مالیاتی است که می‌تواند در چارچوب اهداف باز توزیعی مالیات‌ها بسیار مهم تلقی شود.

اصول مالیاتی از نظر کلاسیک‌ها

آدام اسمیت معروف‌ترین اقتصاددان مکتب کلاسیک است. بنابراین اصول چهارگانه او به عنوان اصول مالیاتی مورد نظر مکتب کلاسیک به حساب می‌آید. اصل اول از دید او اصل عدالت و برابری است. براساس این اصل، بار مالیات باید به صورت عادلانه بین مردم تقسیم شود و به توانایی پرداخت مالیات



دهنده بستگی دارد. وی مالیات تناسب را به عنوان مالیاتی عادلانه تلقی می‌کند (رنگریز و خورشیدی ۱۳۸۱: ۳۶).

اصل دوم، معین و مشخص بودن مالیات‌هاست. براساس این اصل باید مبلغ، مآخذ، زمان پرداخت و طریق پرداخت باید دقیقاً مشخص باشد (بوسکینی ۱۹۸۰).

اصل سوم، اصل سهولت است. براساس این اصل، کسب رضایت نسبی افراد و تسهیلات مختلف برای پرداخت مالیات مدنظر است و تنظیم شرایط جهت پرداخت و طریق پرداخت باید با توجه به حداقل فشار امکان‌پذیر باشد (رنگریز و خورشیدی ۱۳۸۱: ۳۷).

اصل آخر به صرفه‌جویی بر می‌گردد. در جمع‌آوری مالیات باید حداکثر صرفه‌جویی به عمل آید و هزینه جمع‌آوری آن به حداقل تقلیل یابد. از آنجا که کلاسیک‌ها به وظایف سنتی دولت در قالب حفظ نظم و امنیت عمومی و برابری فرصت‌ها اعتقاد داشتند، قابل انتظار نبود که به موارد رفاهی در اصول مالیاتی خود اشاره کنند. آن‌ها طرفدار دولت کوچک و اقتصاد مبتنی بر بازار آزاد هستند. لیکن دقت در مواضع آدام اسمیت و همین‌طور اصل عدالت مالیاتی به عنوان اولین و مهم‌ترین رکن اصول مالیاتی، ما را به این نتیجه می‌رساند که کلاسیک‌ها هدف رفاه و توزیع مجدد درآمد را به عنوان یکی از نتایج سیستم مالیاتی انتظار داشتند. این انتظار معقول است چرا که کلاسیک‌ها به هر حال مالیات‌ها را بیش از هزینه‌های دولتی در انجام سیات‌های دولتی می‌پذیرفتند و به آن باور داشتند.

نمودار زیر، اصول یک نظام مالیاتی مطلوب از دید کلاسیک‌ها را نشان می‌دهد (رنگریز، خورشیدی ۱۳۸۱: ۳۷).

اصول مالیاتی از دید کینزین‌ها

آن‌ها در مورد مالیات‌ها اعتقاد به اصول زیر دارند:

اصل شخصی ساختن مالیات

براساس اصل مزبور هنگام تعیین و دریافت مالیات علاوه بر درآمد مبنای محاسبه، وضع شخصی مالیات دهنده از نقطه نظر تحصیل درآمد و وضعیت اجتماعی نیز ملاک عمل است. به عنوان مثال درآمد حاصل از کار با درآمد حاصل از سرمایه تفاوت دارد. از آنجا که گروه اول درآمد خود را از راه زحمت فیزیکی یا فکری به دست می‌آورد، رنج و مشقت بیشتری نسبت به گروه دوم که درآمد حاصل از سرمایه کسب می‌کند دارد. بنابراین هنگام پرداخت مالیات باید فداکاری بیشتری به خرج دهد. براساس این اصل، باید وضعی کاری و اجتماعی فرد مالیات دهنده مورد توجه قرار گیرد (مهدلو ۱۳۸۱: ۲۷).



اصل دخالت

به عقیده کینز و پیروان او، دولت باید جهت ارشاد و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی دخالت کند و بنای مالیات‌ها بی طرف باشند. به عنوان مثال، دولت باید جهت مبارزه با تورم از سیاست‌ها مالی انقباضی استفاده کرده و با افزایش نرخ مالیاتی، تورم را بکاهد. (مهملو ۱۳۸۱: ۲۸)

اصل مطلوبیت درآمد

مطلوبیت نهایی هر واحد پول یا درآمد برای افراد کم درآمد بیشتر از مطلوبیت نهایی پول یا درآمد برای افراد پر درآمد است. بنابراین اگر به نسبت برابر از درآمد هر دو گروه مالیات اخذ شود، افراد کم درآمد مقدار مطلوبیت بیشتری از دست می‌دهند و این موضوع عادلانه نیست. برای حل مشکل فوق باید براساس نرخ تصاعدی مالیات اخذ شود. (مهملو ۱۳۸۱: ۲۸)

کینزین‌ها معتقد به دخالت گسترده دولت در اقتصاد هستند و همین‌طور وظایف رفاهی و اجتماعی برای این نهاد تعیین می‌کنند، از این رو مالیات‌ها نقش پررنگی در اصول کینزین‌ها به عنوان یک مکتب اقتصادی دارد. اعتقاد به نرخ تصاعدی در مالیات ستانی - به عکس کلاسیک‌ها که به نرخ تناسبی باور داشتند - و همین‌طور تفاوت گذاردن بین مالیات ستانی با منشاء کار و سرمایه این نتیجه را می‌دهد که این گروه به توزیع درآمد از جانب مالیات‌ها باوری عمیق داشتند و یکی از راه‌های عمده ساماندهی منابع اجتماعی و رفع نابرابری را بهره‌گیری از سیاست‌های مالیاتی می‌دانستند.

مدل مفهومی پژوهش





فرضیه‌های پژوهش

- عوامل جامعه شناختی بر رفاه اجتماعی تاثیر دارد.
- عوامل جامعه شناختی بر شرایط زندگی تاثیر دارد.
- عوامل جامعه شناختی بر عدالت و برابری تاثیر دارد.
- عوامل جامعه شناختی بر محیط زیست تاثیر دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر براساس نحوه گردآوری داده‌ها پژوهشی توصیفی قلمداد می‌شود. پس از طی کردن مراحل پژوهش در بخش کیفی، بر اساس یافته‌های به دست آمده از کدگذاری گزینشی مصاحبه‌های انجام شده پرسشنامه‌ی پژوهشگر ساخته طراحی و تدوین و بر روی جامعه‌ی آماری اجرا گردید.

جامعه‌ی آماری، حجم نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری تمامی مودیان مالیاتی شهر تهران در منطقه ۱۲ هستند که بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر می‌باشند و بر اساس فرمول کوکران ۳۸۳ نفر انتخاب و بر اساس نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای به پرسشنامه پژوهشگر ساخته پاسخ خواهند داد.

فن یا ابزار پژوهش

پرسشنامه استفاده شده در پژوهش حاضر، پرسشنامه‌ی پژوهشگر ساخته است که بر اساس مصاحبه‌های انجام شده و کدگذاری آنها ساخته شده است. اعتبار پرسشنامه از طریق اعتبار محتوا، اعتبار سازه ابزار پژوهش از طریق آزمون کیرز - میر، اوکلین و پایایی ابزار از طریق روش آلفای کرونباخ مشخص شده است.

جدول شماره ۱: اعتبار محتوا، اعتبار سازه، پایایی ابزار

متغیر	شاخص	گویه	نمره گذاری
عوامل جامعه شناختی فرار مالیاتی	فرهنگ سازی	۰.۸۵۷	۰.۸۶۳
	شفاف سازی		۰.۹۱۹



			عدالت اجتماعی	
			عوامل جمعیت شناختی	
			عوامل فرهنگی	
			عوامل اجتماعی	
			قوانین و مقررات	
۰.۹۱۸	۰.۸۹۶	۰.۸۳۳	شرایط زندگی	رفاه اجتماعی
			عدالت و برابری	
			محیط زیست	
۰.۹۲۵	۰.۸۴۶	۰.۸۷۵		کل ابزار

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

بعد از اطمینان از وجود شرایط پارامتری یعنی نرمال بودن توزیع، پیوسته بودن متغیرها و برابری واریانس‌ها از آماره پارامتری رگرسیون استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

- عوامل جامعه شناختی بر رفاه اجتماعی تاثیر دارد.

جدول شماره ۲: خلاصه مدل

مدل	R	R مجذور	ضریب تعیین تعدیل شده	خطای برآورد
۱	۰/۵۱۸ ^a	۰/۲۶۸	۰/۲۵۴	۵/۹۴۵

قوانین و مقررات، عدالت اجتماعی، فرهنگ سازی، وضعیت جمعیت شناختی، شفاف سازی، وضعیت فرهنگی، وضعیت
 Predictors: (Constant) , اجتماعی

جدول فوق خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیر عوامل جامعه شناختی و رفاه اجتماعی، ۰.۵۱۸ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر رفاه اجتماعی همبستگی وجود دارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰.۲۵۴ می‌باشد،



نشان می‌دهد که ۲۵.۴٪ از کل تغییرات رفاه اجتماعی وابسته به متغیر عوامل جامعه شناختی ذکر شده در این معادله است. به عبارت دیگر عوامل جامعه شناختی، تغییرات و بهبود رفاه اجتماعی را پیش بینی می‌کند.

جدول شماره ۳: تحلیل واریانس

ANOVA						
مدل		مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	F آزمون	سطح معنی داری
۱	رگرسیون	۴۸۵۳/۲۴۹	۷	۶۹۳/۳۲۱	۱۹/۶۱۸	۰/۰۰۰ ^b
	باقیمانده	۱۳۲۵۲/۷۳۵	۳۷۵	۳۵/۳۴۱		
	جمع	۱۸۱۰۵/۹۸۴	۳۸۲			

بر اساس جدول فوق با توجه به معنی داری مقدار آزمون F (۱۹.۶۱۸) در سطح خطای کوچکتر از ۰.۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر وابسته رفاه اجتماعی مدل نسبتاً خوبی بوده و عوامل جامعه شناختی تا حدودی قادر است تغییرات رفاه اجتماعی را تبیین کند.

جدول شماره ۴: ضرایب بتا

سطح معنی داری	t آزمون	ضرایب غیراستاندارد			مدل
		ضرایب استاندارد	Std. Error	B	
۰/۰۰۰	۶/۰۱۰	بتا	۲/۹۹۵	۱۸/۰۰۲	ثابت
۰/۰۷۶	۱/۷۸۰	۰/۰۸۹	۰/۱۹۳	۰/۳۴۳	فرهنگ سازی
۰/۱۴۷	۱/۴۵۳	۰/۰۸۶	۰/۱۸۰	۰/۲۶۱	شفاف سازی
۰/۰۰۰	۵/۴۱۱	۰/۳۰۶	۰/۲۰۷	۱/۱۱۹	عدالت اجتماعی



۰/۰۷۷	-۱/۷۷۲	-۰/۱۰۸	۰/۲۴۵	-۰/۴۳۳	وضعیت جمعیت شناختی
۰/۶۶۶	۰/۴۳۲	۰/۰۳۲	۰/۲۱۵	۰/۰۹۳	وضعیت فرهنگی
۰/۱۳۶	-۱/۴۹۴	-۰/۱۳۳	۰/۱۵۶	-۰/۲۳۳	وضعیت اجتماعی
۰/۰۰۰	۵/۰۶۴	۰/۳۹۵	۰/۰۹۰	۰/۴۵۴	قوانین و مقررات

جدول فوق نتایج مربوط به میزان تأثیر هر متغیر در مدل و همچنین میزان همبستگی بین آنها را نشان می‌دهد. در این جدول، تفسیر ضرایب رگرسیونی براساس ضریب بتا (*Beta*) انجام می‌گیرد. زیرا این آماره نشان دهنده ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر یک از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تحقیق می‌باشد. بنابراین، می‌توانیم با استفاده از آن سهم نسبی هر متغیر مستقل در مدل را مشخص کنیم. مقایسه متغیرها نشان می‌دهد که:

- ۱- تأثیر متغیر عوامل جامعه شناختی بر رفاه اجتماعی معنی‌دار است.
- ۲- شاخصه‌های فرهنگی سازی، شفاف سازی، وضعیت جمعیت شناختی، فرهنگی و اجتماعی بر رفاه اجتماعی تأثیر معنی‌داری ندارد.
- ۳- شاخصه‌های عدالت اجتماعی و قوانین و مقررات با ضریب تأثیر ۰.۳۰۶ و ۰.۳۹۵ بر روی متغیر رفاه اجتماعی تأثیر مستقیم داشته است. این بدین معنا است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در شاخصه‌های عدالت اجتماعی و قوانین و مقررات میزان رفاه اجتماعی را افزایش می‌دهد.

- عوامل جامعه شناختی بر شرایط زندگی تأثیر دارد.

جدول شماره ۵: خلاصه مدل

خلاصه مدل				
مدل	R	R مربع	مربع تنظیم شده	خطای برآورد
۱	۰/۴۹۱ ^a	۰/۲۴۱	۰/۲۲۷	۰/۴۶۶

a. Predictors: (Constant), وضعیت جمعیت, فرهنگ سازی, وضعیت اجتماعی, عدالت اجتماعی, قوانین و مقررات, شفاف سازی, وضعیت فرهنگی, وضعیت اجتماعی



جدول فوق خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیر عوامل جامعه شناختی و شرایط زندگی، ۰.۴۹۱ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر شرایط زندگی همبستگی وجود دارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰.۲۲۷ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۲۲.۷٪ از کل تغییرات شرایط زندگی وابسته به متغیر عوامل جامعه شناختی ذکر شده در این معادله است. به عبارت دیگر عوامل جامعه شناختی، تغییرات و بهبود شرایط زندگی را پیش بینی می‌کند.

جدول شماره ۶: تحلیل واریانس

ANOVA					
سطح معنی داری	F آزمون	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
۰/۰۰۰ ^b	۱۶/۹۸۴	۳/۶۹۴	۷	۲۵/۸۵۵	رگرسیون
		۰/۲۱۷	۳۷۵	۸۱/۵۵۰	باقیمانده
			۳۸۲	۱۰۷/۴۰۵	جمع

بر اساس جدول فوق با توجه به معنی داری مقدار آزمون F (۱۶.۹۸۴) در سطح خطای کوچکتر از ۰.۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر شرایط زندگی مدل نسبتاً خوبی بوده و عوامل جامعه شناختی تا حدودی قادر است تغییرات شرایط زندگی را تبیین کند.

جدول شماره ۷: ضرایب بتا

سطح معنی داری	t آزمون	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		بتا	Std.Error	B	
۰/۱۱۴	۱/۵۸۳		۰/۲۳۵	۰/۳۷۲	ثابت
۰/۵۳۹	۰/۶۱۵	۰/۰۳۱	۰/۰۱۵	۰/۰۰۹	فرهنگ سازی
۰/۰۶۱	۱/۸۷۶	۰/۱۱۴	۰/۰۱۴	۰/۰۲۶	شفاف سازی



۰/۰۰۰	۴/۵۳۷	۰/۲۶۱	۰/۰۱۶	۰/۰۷۴	عدالت اجتماعی	۱
۰/۹۲۲	-۰/۰۹۸	-۰/۰۰۶	۰/۰۱۹	-۰/۰۰۲	وضعیت جمعیت شناختی	
۰/۱۱۶	۱/۵۷۵	۰/۱۲۰	۰/۰۱۷	۰/۰۲۷	وضعیت فرهنگی	
۰/۱۰۶	-۱/۶۲۲	-۰/۱۴۷	۰/۰۱۳۲	-۰/۰۲۰	وضعیت اجتماعی	
۰/۰۰۰	۴/۴۶۷	۰/۳۵۵	۰/۰۰۷	۰/۰۳۱	قوانین و مقررات	

جدول فوق نتایج مربوط به میزان تأثیر هر متغیر در مدل و همچنین میزان همبستگی بین آن‌ها را نشان می‌دهد. در این جدول، تفسیر ضرایب رگرسیونی براساس ضریب بتا (*Beta*) انجام می‌گیرد. زیرا این آماره نشان دهنده ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر یک از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تحقیق می‌باشد. بنابراین، می‌توانیم با استفاده از آن سهم نسبی هر متغیر مستقل در مدل را مشخص کنیم. مقایسه متغیرها نشان می‌دهد که:

- ۱- تأثیر متغیر عوامل جامعه شناختی بر شرایط زندگی معنی‌دار است.
 - ۲- شاخصه‌های فرهنگی سازی، شفاف سازی، وضعیت جمعیت شناختی، فرهنگی و اجتماعی بر رفاه اجتماعی تأثیر معنی‌داری ندارد.
 - ۳- شاخصه‌های عدالت اجتماعی و قوانین و مقررات با ضریب تأثیر ۰.۲۶۱ و ۰.۳۵۵ بر روی متغیر رفاه اجتماعی تأثیر مستقیم داشته است. این بدین معنا است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در شاخصه‌های عدالت اجتماعی و قوانین و مقررات میزان رفاه اجتماعی را افزایش می‌دهد.
- عوامل جامعه شناختی بر عدالت و برابری تأثیر دارد.

جدول شماره ۸: خلاصه مدل

خلاصه مدل				
مدل	R	مربع R	مربع تنظیم شده	خطای برآورد
۱	۰/۳۱۷ ^a	۰/۱۰۰	۰/۰۸۴	۰/۵۰۳
a. Predictors: (Constant), وضعیت جمعیت، فرهنگ سازی، وضعیت اجتماعی، عدالت اجتماعی، قوانین و مقررات، شفاف سازی، وضعیت فرهنگی، وضعیت اجتماعی				



جدول فوق خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیر عوامل جامعه شناختی و عدالت و برابری، ۰.۳۱۷ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر عدالت و برابری همبستگی وجود دارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰.۰۸۴ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۸.۴٪ از کل تغییرات عدالت و برابری وابسته به متغیر عوامل جامعه شناختی ذکر شده در این معادله است. به عبارت دیگر عوامل جامعه شناختی، تغییرات و بهبود عدالت و برابری را پیش بینی می‌کند.

جدول شماره ۹: تحلیل واریانس

ANOVA					
سطح معنی داری	آزمون F	میانگین مربعات	درجه آزادی	مجموع مربعات	مدل
۰/۰۰۰ ^b	۵/۹۷۶	۱/۵۱۰	۷	۱۰/۵۷۳	رگرسیون
		۰/۲۵۳	۳۷۵	۹۴/۷۷۹	باقیمانده
			۳۸۲	۱۰۵/۳۵۲	جمع
					۱

بر اساس جدول فوق با توجه به معنی داری مقدار آزمون F (۵.۹۷۶) در سطح خطای کوچکتر از ۰.۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر عدالت و برابری مدل نسبتاً خوبی بوده و عوامل جامعه شناختی تا حدودی قادر است تغییرات عدالت و برابری را تبیین کند.

جدول شماره ۱۰: ضرایب بتا

سطح معنی داری	t آزمون	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		بتا	Std.Error	B	
۰/۰۰۰	۷/۰۵۸		۰/۲۵۳	۱/۷۸۸	ثابت



۰/۲۹۴	-۱/۰۵۲	-۰/۰۵۹	۰/۰۱۶	-۰/۰۱۷	فرهنگ سازی	۱
۰/۱۹۶	۱/۲۹۴	۰/۰۸۵	۰/۰۱۵	۰/۰۲۰	شفاف سازی	
۰/۰۳۰	۲/۱۸۴	۰/۱۳۷	۰/۰۱۷	۰/۰۳۸	عدالت اجتماعی	
۰/۱۱۶	-۱/۰۵۷۶	-۰/۱۰۶	۰/۰۲۱	-۰/۰۳۳	وضعیت جمعیت شناختی	
۰/۰۰۸	۲/۶۶۰	۰/۲۲۱	۰/۰۱۸	۰/۰۴۸	وضعیت فرهنگی	
۰/۰۰۲	-۳/۱۱۶	-۰/۳۰۸	۰/۰۱۳	۰/۰۴۱	وضعیت اجتماعی	
۰/۰۰۱	۳/۴۴۸	۰/۲۹۸	۰/۰۰۸	۰/۰۲۶	قوانین و مقررات	

جدول فوق نتایج مربوط به میزان تأثیر هر متغیر در مدل و همچنین میزان همبستگی بین آن‌ها را نشان می‌دهد. در این جدول، تفسیر ضرایب رگرسیونی براساس ضریب بتا (*Beta*) انجام می‌گیرد. زیرا این آماره نشان دهنده ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر یک از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تحقیق می‌باشد. بنابراین، می‌توانیم با استفاده از آن سهم نسبی هر متغیر مستقل در مدل را مشخص کنیم. مقایسه متغیرها نشان می‌دهد که:

- ۱- تأثیر متغیر عوامل جامعه شناختی بر عدالت و برابری معنی دار است.
- ۲- شاخصه‌های فرهنگی سازی، شفاف سازی و وضعیت جمعیت شناختی بر عدالت و برابری تأثیر معنی داری ندارد.
- ۳- شاخصه‌های عدالت اجتماعی، وضعیت فرهنگی و قوانین و مقررات با ضریب تأثیر ۰.۱۳۷، ۰.۲۲۱، ۰.۲۹۸ بر روی متغیر عدالت و برابری تأثیر مستقیم داشته است. این بدین معنا است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در شاخصه‌های عدالت اجتماعی و قوانین و مقررات میزان عدالت و برابری را افزایش می‌دهد. اما، وضعیت اجتماعی با ضریب تأثیر ۰.۳۰۸- بر روی متغیر عدالت و برابری تأثیر معکوس داشته است. این بدین معنا است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در شاخصه وضعیت اجتماعی میزان عدالت و برابری را کاهش می‌دهد.



- عوامل جامعه شناختی بر محیط زیست تاثیر دارد.

جدول شماره ۱۱: خلاصه مدل

مدل	R	R مربع	مربع تنظیم شده	خطای برآورد
۱	۰/۴۴۲ ^a	۰/۱۹۵	۰/۱۸۰	۰/۵۰۷

a. Predictors: (Constant), وضعیت جمعیت, فرهنگ سازی, عدالت اجتماعی, قوانین و مقررات, شفاف سازی, وضعیت فرهنگی, وضعیت اجتماعی

جدول فوق خلاصه مدل را نشان می‌دهد. مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیر عوامل جامعه شناختی و محیط زیست، ۰.۴۴۲ می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر محیط زیست همبستگی وجود دارد. همچنین مقدار ضریب تعیین تعدیل شده که برابر با ۰.۱۸۰ می‌باشد، نشان می‌دهد که ۱۸٪ از کل تغییرات محیط زیست وابسته به متغیر عوامل جامعه شناختی ذکر شده در این معادله است. به عبارت دیگر عوامل جامعه شناختی، تغییرات و بهبود محیط زیست را پیش بینی می‌کند.

جدول شماره ۱۲: تحلیل واریانس

ANOVA						
مدل	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آزمون F	سطح معنی داری	
۱	رگرسیون	۲۳/۳۵۹	۷	۳/۳۳۷	۱۳/۰۰۲	۰/۰۰۰ ^b
	باقیمانده	۹۶/۲۴۴	۳۷۵	۰/۲۵۷		
	جمع	۱۱۹/۶۰۳	۳۸۲			

بر اساس جدول فوق با توجه به معنی داری مقدار آزمون F (۱۳.۰۰۲) در سطح خطای کوچکتر از ۰.۰۵، می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیونی تحقیق مرکب از متغیر عوامل جامعه شناختی و متغیر



محیط زیست مدل نسبتاً خوبی بوده و عوامل جامعه شناختی تا حدودی قادر است تغییرات محیط زیست را تبیین کند.

جدول شماره ۱۳: ضرایب بتا

سطح معنی داری	t آزمون	ضرایب استاندارد	ضرایب غیراستاندارد		مدل
		بتا	Std.Error	B	
۰/۰۲۲	۲/۲۹۵		۰/۲۵۵	۰/۵۸۶	ثابت
۰/۰۲۸	۲/۱۹۹	۰/۱۱۶	۰/۰۱۶	۰/۰۳۶	فرهنگ سازی
۰/۸۰۲	-۰/۲۵۱	-۰/۰۱۶	۰/۰۱۵	-۰/۰۰۴	شفاف سازی
۰/۰۰۰	۵/۰۸۱	۰/۳۰۱	۰/۰۱۸	۰/۰۹۰	عدالت اجتماعی
۰/۵۶۴	۰/۵۷۸	۰/۰۳۷	۰/۰۲۱	۰/۰۱۲	وضعیت جمعیت شناختی
۰/۰۰۲	۳/۱۲۹	۰/۲۴۶	۰/۰۱۸	۰/۰۵۷	وضعیت فرهنگی
۰/۰۰۰	-۴/۰۵۱	-۰/۳۷۸	۰/۰۱۳	-۰/۰۵۴	وضعیت اجتماعی
۰/۰۰۰	۳/۷۲۶	۰/۳۰۵	۰/۰۰۸	۰/۰۲۸	قوانین و مقررات

جدول فوق نتایج مربوط به میزان تأثیر هر متغیر در مدل و همچنین میزان همبستگی بین آن‌ها را نشان می‌دهد. در این جدول، تفسیر ضرایب رگرسیونی براساس ضریب بتا (*Beta*) انجام می‌گیرد. زیرا این آماره نشان دهنده ضریب رگرسیونی استاندارد شده هر یک از متغیرهای مستقل بر روی متغیر وابسته تحقیق می‌باشد. بنابراین، می‌توانیم با استفاده از آن سهم نسبی هر متغیر مستقل در مدل را مشخص کنیم. مقایسه متغیرها نشان می‌دهد که:

- ۱- تأثیر متغیر عوامل جامعه شناختی بر محیط زیست معنی دار است.
- ۲- شاخصه‌های فرهنگی سازی، شفاف سازی و وضعیت جمعیت شناختی بر محیط زیست تاثیر معنی داری ندارد.



۳- شاخصه‌های عدالت اجتماعی، وضعیت فرهنگی و قوانین و مقررات با ضریب تاثیر ۰.۳۰۱، ۰.۲۶۶ و ۰.۳۰۵ بر روی متغیر محیط زیست تاثیر مستقیم داشته است. این بدین معنا است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در شاخصه‌های عدالت اجتماعی و قوانین و مقررات میزان محیط زیست را افزایش می‌دهد. اما، وضعیت اجتماعی با ضریب تاثیر ۰.۳۷۸- بر روی متغیر محیط زیست تاثیر معکوس داشته است. این بدین معنا است که به ازای افزایش یک انحراف استاندارد در شاخصه وضعیت اجتماعی میزان محیط زیست را کاهش می‌دهد.

بحث و نتیجه گیری

در این پژوهش به این مهم پرداخته شده است که چه عواملی بودن و یا نبودنشان می‌تواند بر رفاه اجتماعی تاثیر بگذارد، تحلیل جامعه‌شناختی‌ای که در این پژوهش بر اساس نظر کارشناسان مشخص گردید عبارتند از فرهنگ سازی مالیاتی، شفاف سازی مالیاتی، عدالت اجتماعی، قوانین و مقررات مالیاتی، وضعیت جمعیت شناختی، وضعیت فرهنگی و وضعیت اجتماعی. دولتی می‌تواند برنامه و اهداف خود را پیش ببرد که مردمش دارای فرهنگ مالیاتی باشند و اقدام به پرداخت مالیات نمایند. اشخاص حقیقی و حقوقی با پرداخت میزان مالیات متعلقه خود در موعد مقرر می‌توانند زمینه مناسبی جهت قوت بخشیدن به توان مالی دولت در راستای تحقق اهداف آن بوجود آوردند. حال اگر عکس قضیه را مجسم کنیم، اشخاص حقیقی و حقوقی از زیر بار پرداخت مالیات شانه خالی کنند و همواره در سدد کشف و بکارگیری راه‌های فرار از مالیات باشند دولت که به منبع مهم درآمدهای مالیاتی برای اجرای طرح‌های عظیم اقتصادی خود در جهت توسعه، پیشرفت و رفاه جامعه چشم دوخته است از این مهم باز بماند و در نهایت اقتصاد کشور روزبه‌روز بیمار و فلج‌تر شده و دروه‌های هولناک و اسفباری در انتظار این اقتصاد می‌باشد. اما متأسفانه با توجه به اهمیت همکاری اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی در پرداخت مالیات، افرادی وجود دارند که در فکر عدم انجام مسئولیت قانونی خود در قبال برخورداری از خدمات دولتی هستند و مالیات قانونی خود را پرداخت نمی‌کنند. همانطور که دجو و دیچو (۲۰۰۲) بیان می‌کنند، فرار مالیاتی در اکثر کشورهای مدرن و در حال توسعه یکی از دغدغه‌های اصلی مدیران سازمان مالیاتی بوده و سیاست‌گذاران مالیاتی همیشه به دنبال راه‌کارهایی برای جلوگیری از فرار مالیاتی بوده‌اند و بر اساس نظر پارچینی (۱۳۸۸)، وصول بهینه و واقعی مالیات نه تنها درآمد مالیاتی دولت را افزایش می‌دهد بلکه عدالت اجتماعی را نیز باعث می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که درآمدهای مالیاتی بر افزایش رفاه اجتماعی نقش دارد و این امر با نتایج این پژوهش همسواست.



بنابراین داشتن فرهنگ مالیاتی، شفافیت مالیاتی، عدالت و برابری، قوانین و مقررات مالیاتی، وضعیت اجتماعی و فرهنگی و جمعیت شناختی که منجر به پرداخت مالیات توسط صاحبان درآمد می‌شود باعث می‌گردد که توزیع درآمدها در جامعه متعادل‌تر گردد و از بروز تنش‌های سیاسی، اجتماعی جلوگیری شود. چنین فرآیندی به فعالان اقتصادی کمک می‌کند تا از امنیت لازم برای گسترش فعالیت‌هایشان بهره بگیرند و سطح تولید ناخالص داخلی‌شان را افزایش می‌دهند و در نتیجه فرصت‌های اشتغال جدید را به وجود می‌آورند و همچنین مالیات بخش قابل توجهی از هزینه‌های عمومی را تأمین می‌کند و دولت می‌تواند در راستای توسعه اقتصادی- اجتماعی قدم‌های لازم را بردارد. ظرفیت مالیاتی در هر اقتصادی متناسب با فعالیت‌های اقتصادی، تجاری، سرمایه‌گذاری و با رشد تولید ناخالص ملی، افزایش و سهم آن در تأمین هزینه‌های عمومی گسترش می‌یابد. و همه این موارد منجر به رفاه اجتماعی در جامعه می‌گردد. همانگونه که مطرح شد فرهنگ سازی مالیاتی، شفاف سازی مالیاتی، عدالت اجتماعی، قوانین و مقررات مالیاتی، وضعیت جمعیت شناختی، وضعیت فرهنگی و وضعیت اجتماعی از عوامل جامعه شناختی فرار مالیاتی یا عدم فرار مالیاتی است. وجود هر یک از این موارد بر افزایش رفاه اجتماعی نقش دارد و عدم وجود آن بر کاهش رفاه اجتماعی تاثیرگذار است که با توجه به بررسی انجام شده و بنابر نتایج به دست آمده، بین عوامل جامعه شناختی فرار مالیاتی و رفاه اجتماعی و شاخص‌های آن رابطه معنی دار وجود دارد. همچنین مشخص گردید مجموعه عوامل جامعه شناختی بر رفاه اجتماعی تاثیرگذارند. بنابراین، با توجه به این امر که مالیات یکی از مهم‌ترین منابع درآمد دولت‌ها به شمار می‌رود و بنابر نظر وولدریدج (۲۰۰۹)، "بعد از نفت، مالیات مهم‌ترین منبع تأمین درآمد دولت می‌باشد و با توجه به نقش روز افزونی که در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور برای مالیات در نظر گرفته می‌شود، لذا تحقق درآمدهای مالیاتی از اهداف مهم دولت می‌باشد" و از اعصار گذشته تاکنون با توجه به تحول و تطور وظایف دولت‌ها اهمیت روز افزونی داشته است، به طوریکه به مرور زمان و با تحولات به وجود آمده در وظایف دولت‌ها، مالیات به عنوان منبع مهمی از درآمد برای پوشش هزینه‌ها و ابزار مالی جهت اعمال تصدی و اعمال حاکمیت مطرح گردید. دولت با اخذ مالیات و جمع‌آوری و هدایت آن در جهت انجام سرمایه‌گذاری‌های زیر بنایی در واقع نقش زیربنایی را در توسعه اقتصادی ایفاء می‌کند و مکمل فعالیت بخش خصوصی از نظر سرمایه‌گذاری روبنایی است تا بتواند موجبات رشد و توسعه اقتصادی را فراهم آورد که این امر موجب افزایش رفاه اجتماعی در جامعه می‌شود. بنابراین اگر به منابع اقتصادی سالم برای تأمین نیازهای دولت در جهت سرمایه‌گذاری فکر کنیم به منابع مالیاتی می‌رسیم. ممکن است گفته شود که از منابع زیرزمینی مثل نفت یا معادن و غیره استفاده شود. البته گاهی می‌توان از این منابع استفاده



کرد ولی این امر نمی‌تواند به‌عنوان یک حرکت سالم و بلندمدت باشد. در واقع برای این امر که میزان خرجی که دولت می‌کند با پولی که از جامعه می‌گیرد در یک حالت متعادل باشد لازم‌آش این است که این سرمایه‌گذاری‌ها از محل مالیات صورت گیرد و الا اگر صحبت از عملیات یک طرفه‌ای باشد که دولت ماده خام را تبدیل به پول کند و سرمایه‌گذاری انجام دهد مطمئناً با افزایش نقدینگی روبرو خواهد بود و به‌هر حال جامعه از آثار سوء این امر که افزایش نقدینگی و تورم است متأثر خواهد بود. حال اگر دولت بتواند طبق برنامه‌های پیش‌بینی شده خود مالیات را وصول کند آن طرف قضیه می‌تواند سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی خود را اجراء نماید و باعث شکوفایی و رشد اقتصادی کشور و در نتیجه رفاه اجتماعی گردد، که نقش و همکاری آحاد ملت در این امر که همان پرداخت مالیات است مشخص می‌گردد.

بورک به نقل از باری (۱۳۹۳: ۱۳-۱۲) از رفاه به عنوان مسئولیت‌های پایین دولت یاد می‌کنند به درجه‌ای که از لحاظ اهمیت با برقراری قانون، نظم، تداوم و وحدت اجتماعی برابری کند. پیرو این عمل اگر اقدام دولت نتواند نیازهای امور رفاهی را برآورده سازد، سرزنش کردن آن طبیعی است. آدام اسمیت به نقل از باری (۱۳۹۳: ۱۵-۱۴)، ارزیابی مستدلی از مفهوم رفاه دارد که برگرفته از کل روش‌های معمول در علم اقتصاد لیبرالی (آزادی‌خواهی) است. این حقیقت وجود دارد که نظام بازار آزاد یا تجارت آزاد که نظامی خودکامه به شمار می‌رود، خود به خود موقعیت‌هایی را به وجود می‌آورد که نسبت به سایر روش‌های شناخته شده ارجحیت دارند. یعنی در این روش کالاها و خدماتی ارائه می‌شود که منعکس کننده اختیارات شخصی افراد است. بنابر دیدگاه‌های اسمیت و بورک، رفاه یک ارزش سیاسی بسیار پیچیده است، و رفاه مفهومی است که توصیف‌کننده بهزیستی، تامین زندگی و فقرزدایی است. در افکار سیاسی معاصر، عدالت تقریباً جزء لاینفک رفاه است. جان رالز به نقل از باری (۱۳۹۳: ۱۰۵-۱۰۴)، تأکید می‌کند که عدالت «اولین فضیلت» جامعه است و بدون شک یک مفهوم رفاه‌گراانه است، که به‌طور اخص به قانونی کردن توزیع منابع و درجات بهزیستی می‌پردازد. به‌راستی به رغم شیوه فردگرایانه آن، این یک نظریه اصولی است که برای جامعه عملکردی از رفاه را در نظر می‌گیرد که با دیگر عملکردهای رفاه مانند سودگرایی یا عمل پرتو از نظر محتوا و نه اصول متفاوت است. از سویی دیگر، فرهنگ (۱۳۵۱: ۱۲۷۶-۱۲۶۵)، به اهداف وصول مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم پرداخته است و "افزایش رفاه اقتصادی جامعه، از طریق کاهش نابرابری درآمد" و "کاهش یا افزایش قدرت خرید به‌وسیله افزایش یا کاهش مالیات‌های بر خرید کالا" را از جمله اهداف رفاه مطرح کرده است که می‌توان گفت این امر با نتایج به دست آمده در این پژوهش مطابقت دارد.



منابع

- امیری سلووشی، نیکو (۱۴۰۱). تاثیر مسئولیت پذیری اجتماعی بر جلوگیری از فرار مالیاتی شرکت‌ها (مورد مطالعه: شرکت‌های فعال در بورس اوراق بهادار تهران)، پژوهش‌های جدید در مدیریت و حسابداری، شماره ۵۴، ص ۴۵۷-۴۶۴.
- امین رشتی، ناریسیس، صیام، هدی، محرابیان، آزادی، سیفی‌پور، رویا (۱۴۰۲). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی در شرکت‌های سخت مالیات‌ده با استفاده از روش اثرگذاری غیرخطی، اقتصاد کاربردی، شماره ۴۴، ص ۱۹-۳۵.
- اورشات، ویم فون، آپلیکا، مایکل، فوافینگر، بریگیت (۱۳۹۶). فرهنگ و دولت رفاه، ترجمه ابوذر قاسمی نژاد، تهران: موسسه عالی پژوهش تامین اجتماعی.
- ایزدی، افسانه، صامتی، مجید، اکبری، نعمت اله (۱۳۹۹). برآورد میزان فرار مالیاتی در ایران با استفاده از روش MIMIC (طی دوره ۱۳۹۹-۱۳۵۵)، پژوهشنامه مالیات، شماره ۹۶: ۷-۳۲.
- باری، نورمن پی (۱۳۹۳). رفاه اجتماعی، ترجمه سید اکبر میرحسینی و مرتضی نوربخش، تهران: سمت.
- جعفری صمیمی، احمد، حمزه‌ای، علی اکبر (۱۳۸۴). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی: مطالعه موردی صنف طلافروشان استان مازندران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، شماره ۴۳: ۲۲-۴.
- خان جان، علیرضا (۱۳۸۵). نقش نهادهای رسمی در فرار مالیاتی (مطالعه موردی شهرستان مشهد). پژوهشنامه مالیات و توسعه، پیش شماره ۹، صص ۲۱-۹۱.
- زارع بهنمیری، محمدجواد، رحیمیان امیری، محمدحسین، تیرگان، محمد (۱۴۰۱). اولویت بندی عوامل موثر بر فرار مالیاتی، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۴، ص ۱۸۷-۲۰۱.
- زهی، نقی و محمدخانلی، شهرزاد (۱۳۸۹). بررسی عوامل موثر بر فرار مالیاتی (مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی)، پژوهشنامه مالیات، ش ۹ (۵۷)، ص ۶۰-۲۵.
- سید نورانی، سید محمدرضا (۱۳۸۸). فرار مالیاتی و رشد اقتصادی در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
- صادقی، حسین، شکیبایی، علیرضا (۱۳۸۰). فرار مالیاتی و اندازه اقتصاد زیرزمینی ایران (با روش اقتصادسنجی فازی)، نامه مفید شماره ۲۲: ۱۱-۲۱.



عالی پور، نعمت اله، زنگنه، مهسا (۱۴۰۱). بررسی نظری عوامل موثر بر فرار مالیاتی از منظر عدالت مالیاتی، دانش مالیاتی، تعهدات اخلاقی، هنجارهای ذهنی و نگرش مودیان به رفتار، پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی، شماره ۴، ص ۴۷-۶۰.

عبداله میلانی، مهنوش، اکبر پور روشن، نرگس (۱۳۹۱). فرار مالیاتی ناشی از اقتصاد غیر رسمی در ایران. پژوهشنامه مالیات، سال ۲۲، شماره ۹۴ (پیاپی ۱۹)، بهار.

عزیزخانی، فاطمه، افشاری، غلامرضا (۹۴۳۱). فرار مالیاتی و تاثیر آن بر تولید ناخالص داخلی و توزیع درآمد. فصلنامه مجلس و پژوهش، شماره ۱۲-۳۱: ۳۲۲-۴۱۱.

مهراذین، علیرضا، پایدارمنش، نوید، عباس زاده، محمدرضا، مسیح آبادی، ابوالقاسم (۱۴۰۱). کنش انگیزه و فرصت برنامه ریزی فرار مالیاتی و ارائه مدل جدید از فرار مالیاتی شرکت‌ها، دانش حسابداری مالی، دوره ۹، شماره ۲، ص ۱۲۸-۱۶۷.

موسوی جهرمی، یگانه، طهماسبی بلداجی، فرهاد، خاکی، نرگس (۱۳۸۸). فرار مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده: یک الگو نظری. فصلنامه تخصصی مالیات، شماره ۱: ۴۳-۲۲.

Allam, A., Moussa, T., Abdelhady, M., Yamen, A. (2023). National culture and tax evasion: The role of the institutional environment quality, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 52: 100-559.

Batrancea, L. M., Kudla, J., Blaszczak, B., Kopyt, M. (2022). Differences in tax evasion attitudes between students and entrepreneurs under the slippery slope framework, *Journal of Economic Behavior & Organization*, 200: 464-482.

Cai, H., and Liu Q. (2009). Competition and Corporate Tax Avoidance: Evidence From Chinese Industrial Firms. *The Economic Journal*. 119: 764-795.

Engström, P. and Holmlund, B. (2006). *Tax Evasion and Self-Employment in a High-Tax Country: Evidence from Sweden*. Uppsala University Working Paper.

Fagbemi, T. O., Uadiale, O. M., and Noah, A. O. (2010). The Ethics of Tax Evasion: Perceptual Evidence from Nigeria. *European Journal of Social Sciences*, 17: 360-371.

Herranz, M. M., Turino, F. (2023). Tax evasion, fiscal policy and public debt: Evidence from Spain, *Economic systems*, 7: 101-121.



- Khalil, S., Sidani, Y. (2023). Personality traits, religiosity, income, and tax evasion attitudes: An exploratory study in Lebanon, *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 47: 100-469.
- Langenmary, D., Zyska, L. (2023). Escaping the exchange of information: Tax evasion via citizenship-by-investment, *Journal of Public Economics*, 221: 48-65.
- Levin, J. and Widell, L. M. (2007). Tax Evasion in Kenya and Tanzania: Evidence from Missing Imports. *Orebro University Working Paper*, No. 8.
- Nagy, Z. (2011). The Fight Against Income Tax Evasion in Hungary. *Acta Polytechnica Hungarica*, 8: 103-116.
- Wang, Y. (2012). Competition and Tax Evasion: A Cross Country Study. *Economic Analysis & Policy*, 42: 198-208.
- Bayer, R.C. & Sutter, M. (2008). The Excess Burden of Tax Evasion an Experimental Detection-Concealment Contest. *European Economic Review*: 1-17.

